

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخ :

شماره :

پیوست :

بسمه تعالی

همه امتیازات این پایان نامه به دانشگاه لرستان تعلق دارد. در صورت استفاده از تمام یا بخشی از مطالب در مجلات، کنفرانس‌ها یا سخنرانی‌ها، باید نام دانشگاه لرستان (یا استاد یا اساتید راهنمای پایان نامه) و نام دانشجو با ذکر مأخذ و ضمن کسب مجوز کتبی از دفتر تصحیلات تکمیلی دانشگاه ثبت شود. در غیر این صورت مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

نشانی: کیلومتر ۵ جاده خرم آباد - تهران، سازمان مرکزی دانشگاه لرستان. تلفن: ۴۶۰۰۱۰۶ - ۴۶۰۰۰۹۷ - ۴۶۰۰۱۰۴ نمابر ۴۶۰۰۱۰۴

www.lu.ac.ir



دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی
گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان‌نامه‌ی دوره‌ی کارشناسی ارشد

عنوان

مقایسه تطبیقی جنایت و مکافات دربخش اساطیری وپهلوانی شاهنامه‌ی فردوسی با ایللیاد هومر

نگارش

نگار شمشیری

استاد راهنما

دکتر محمد رضا روزبه

استاد مشاور

دکتر طاهره صادقی تحصیلی

پایان‌نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی M.A

بهمن ۱۳۹۲

تقدیم با بوسه بر دستان پدر و مادرم:

پروردگارا :

نه می توانم موهایشان را که در راه عزت من سفید شد، سیاه کنم و نه برای دستهای پینه بسته شان که ثمره تلاش برای افتخار من است، مرهمی دارم. پس توفیقم ده که هر لحظه شکر گزارشان باشم و لحظه لحظه‌ی عمرم، عصای دست آنها باشم.

با سپاس از سه وجود مقدس:

آنان که ناتوان شدند تا ما به توانایی برسیم...

موهایشان سپید شد تا ما روسفید شویم...

و عاشقانه سوختند تا گرمابخش وجود ما و روشنگر راهمان باشند...

پدرانمان

مادرانمان

استادانمان

از استاد گرامیم جناب آقای دکتر محمد رضا روزبه بسیار سپاسگزارم چرا که بدون راهنمایی‌های ایشان نگارش این پایان نامه محال بود.

از سرکار خانم دکتر طاهره صادقی تحصیلی به دلیل دستگیری‌ها و راهنمایی‌های ارزنده‌ی ایشان در تمام مراحل این پایان‌نامه، تشکر می‌کنم.

از استاد فرهیخته جناب آقای دکتر علی نوری که قبول زحمت نموده، داوری پایان‌نامه اینجانب را تقبل نموده و بنده را از تذکرات ارزشمندشان بهره‌مند ساختند، کمال تشکر و قدردانی را دارم.

از تمامی استادان محترم گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه لرستان که از محضر ارزشمندشان دانش و ادب آموختم سپاس فراوان دارم.

همچنین از خانواده‌ی عزیزم که به نوبه‌ی خود با فراهم نمودن شرایط مناسب اینجانب را در تدوین این پایان‌نامه یاری نمودند قدردانی می‌نمایم.

چکیده

شاهنامه فردوسی و ایلید هومر بر پیشانی ادب ایران و یونان می‌درخشند. یکی از مفاهیم مطرح در این دو اثر، جنایتهای رخ داده و مکافات آنهاست که با سبک و سیاقی متفاوت و گاه مشابه، به وسیله فردوسی و هومر بیان می‌شوند؛ در این پایان نامه پس از بیان تعاریف و کلیاتی که در ارتباط با بحث جنایت و مکافات مطرح‌اند به معرفی دو اثر پرداخته و خلاصه‌ای آنها بیان می‌شود. سپس به جنایتهای رخ داده در شاهنامه و ایلید و مکافاتشان اشاره و در پایان، مقایسه‌ای بین آنها صورت می‌گیرد. اهتمام پایان‌نامه حاضر، کشف و برشمردن وجوه تشابه و تفاوت دو اثر از لحاظ جنایت و مکافات طرح شده در آن دو و تحلیل آنهاست. کشتن جوانان بی‌گناه، نوزادان و اسیران، قربانی کردن افراد و ... از مهمترین شباهت‌های دو اثر است. وجود قتل‌های درون‌خانوادگی و با اراده‌بودن افراد در شاهنامه، در مقابل قتل‌های برون‌خانوادگی، بی‌اراده بودن افراد و کشتن افراد پیر و ناتوان در ایلید از تفاوت‌های اساسی دو اثر است.

کلید واژه‌ها: ایلید، جنایت، شاهنامه، مکافات

فصل اول: کلیات و مفاهیم.....	۱
۱-۱- کلیات.....	۲
۱-۱-۱- بیان مسأله	۲
۱-۱-۲- سوالات تحقیق.....	۲
۱-۱-۳- سوال اصلی.....	۲
۱-۱-۴- سوال فرعی.....	۳
۱-۱-۵- فرضیات تحقیق.....	۳
۱-۱-۶- فرضیه اصلی.....	۳
۱-۱-۷- فرضیه فرعی.....	۳
۱-۱-۸- پیشینه موضوع و سوابق مربوط.....	۳
۱-۱-۹- ضرورت ها واهداف تحقیق.....	۳
۱-۱-۱۰- روش تحقیق و روش تجزیه وتحلیل داده‌ها واطلاعات.....	۳
۱-۱-۱۱- روش و ابزار گرد آوری اطلاعات.....	۳
۲-۱- مفاهیم.....	۴
۲-۱-۱- مقدمه.....	۴
۲-۱-۲- اسطوره.....	۷
۲-۱-۳- ادبیات تطبیقی.....	۹
۲-۱-۴- جنایت و مکافات	۱۰
فصل دوم: معرفی دو اثر.....	۱۲

- ۱۳ ۱-۲- معرفی شاهنامه
- ۱۴ ۱-۱-۲- خلاصه‌ی شاهنامه
- ۱۵ ۲-۲- معرفی ایلیاد
- ۱۶ ۱-۲-۲- خلاصه‌ی ایلیاد
- ۱۸ فصل سوم: جنایتکاران در شاهنامه و جنایات و مکافات آن‌ها
- ۱۹ ۱-۳- جنایتکاران در شاهنامه و جنایات و مکافات آن‌ها
- ۱۹ ۱-۱-۳- جنایت‌های ضحاک و مکافات جنایت‌های او
- ۱۹ ۱-۱-۱-۳- کشتن مرداس
- ۲۱ ۲-۱-۱-۳- کشتن جمشید
- ۲۱ ۳-۱-۱-۳- کشتن جوانان بیگناه
- ۲۲ ۳-۱-۱-۴- کشتن آبتین
- ۲۳ ۳-۱-۱-۵- کشتن پسران کاوه
- ۲۴ ۳-۱-۱-۶- مکافات ضحاک
- ۲۶ ۳-۱-۲- جنایت سلم و تور و مکافات جنایت آن‌ها
- ۲۶ ۳-۱-۲-۱- کشتن ایرج
- ۲۸ ۳-۲-۱-۲- مکافات سلم و تور
- ۳۰ ۳-۱-۳- جنایت‌های افراسیاب و مکافات جنایت‌های او
- ۳۰ ۳-۱-۳-۱- کشتن نوذر

- ۳۱ کشتن اغریث ۲-۳-۱-۳
- ۳۳ کشتن سیاوش ۳-۳-۱-۳
- ۳۴ مکافات افراسیاب ۴-۳-۱-۳
- ۳۶ جنایت‌های سودابه و مکافات جنایت‌های او ۴-۱-۳
- ۳۶ نقش سودابه در کشتن سیاوش ۱-۴-۱-۳
- ۳۶ امر به سقط جنین ۲-۴-۱-۳
- ۳۷ مکافات سودابه ۳-۴-۱-۱
- ۳۸ جنایت‌های زن پرستار و مکافات جنایت‌های او ۵-۱-۳
- ۳۸ نقش زن پرستار در کشتن سیاوش ۱-۵-۱-۳
- ۳۸ کشتن نوزادان خود ۲-۵-۱-۳
- ۳۹ مکافات زن پرستار ۳-۵-۱-۳
- ۳۹ جنایت کاوس و مکافات جنایت او ۶-۱-۳
- ۳۹ نقش کاوس در کشتن سیاوش ۱-۶-۱-۳
- ۴۰ مکافات کاوس ۲-۶-۱-۳
- ۴۱ جنایت گرسیوز و مکافات جنایت او ۷-۱-۳
- ۴۱ نقش گرسیوز در کشتن سیاوش ۱-۷-۱-۳
- ۴۳ مکافات گرسیوز ۲-۷-۱-۳
- ۴۴ جنایت دیگر عاملان کشتن سیاوش و مکافات جنایت آن‌ها ۸-۱-۳
- ۴۴ پهلوانان و فرماندهان تورانی ۱-۸-۱-۳

- ۳-۱-۸-۲- مکافات پهلوانان و فرماندهان تورانی (جنگ دوازده رخ)..... ۴۵
- ۳-۱-۹-۹- جنایت طوس و مکافات جنایت او..... ۴۶
- ۳-۱-۹-۱- کشتن فرود..... ۴۶
- ۳-۱-۹-۲- مکافات طوس..... ۵۳
- ۳-۱-۱۰-۱- نگرشی بر کشته شدن سهراب..... ۵۳
- ۳-۱-۱۰-۱- مکافات عاملان کشتن سهراب..... ۶۳
- ۳-۱-۱۱- جنایت‌های گشتاسپ و مکافات جنایت‌های او..... ۶۳
- ۳-۱-۱۱-۱- کشتن اسفندیار..... ۶۳
- ۳-۱-۱۱-۲- ناگزیر کردن رستم در کشتن اسفندیار..... ۶۷
- ۳-۱-۱۱-۳- مکافات گشتاسپ..... ۷۳
- ۳-۱-۱۲- نقش رستم در کشتن اسفندیار..... ۷۶
- ۳-۱-۱۲-۱- مکافات رستم و خاندان زال..... ۷۸
- ۳-۱-۱۳- جنایت‌های شغاد و شاه کابل و مکافات جنایت‌های آن‌ها..... ۸۰
- ۳-۱-۱۳-۱- کشتن رستم..... ۸۰
- ۳-۱-۱۳-۲- کشتن زواره..... ۸۳
- ۳-۱-۱۳-۳- مکافات شغاد و شاه کابل..... ۸۳
- ۳-۲- جنایتکاران در ایلیاد و جنایات و مکافات آن‌ها..... ۸۶

- ۸۶ ۱-۲-۳- نقش خدایان یونانی در جنگ‌ها و جنایت‌ها و مکافات‌های یونانیان
- ۸۶ ۱-۱-۲-۳- معرفی خدایان یونانی
- ۸۷ ۲-۱-۲-۳- علت ورود خدایان یونانی به جنگ
- ۹۴ ۳-۱-۲-۳- جنگ ایلید، جنگ خدایان
- ۹۸ ۲-۲-۳- نقش پهلوانان یونانی و تروایی در جنایت‌ها و مکافات اعمال آن‌ها
- ۹۸ ۱-۲-۲-۳- جنایت‌های آگاممنون و مکافات جنایت‌های او
- ۹۸ ۱-۱-۲-۲-۳- کشتن افی زنی (به روایتی)
- ۹۹ ۲-۱-۲-۲-۳- مکافات آگاممنون
- ۱۰۰ ۲-۲-۲-۳- پاتروکل و مکافات اعمال او
- ۱۰۰ ۱-۲-۲-۲-۳- کشتن سارپدون
- ۱۰۰ ۲-۲-۲-۲-۳- مکافات پاتروکل
- ۱۰۰ ۳-۲-۲-۳- هکتور و مکافات اعمال او
- ۱۰۰ ۱-۳-۲-۲-۳- کشتن پاتروکل
- ۱۰۲ ۲-۳-۲-۲-۳- مکافات هکتور
- ۱۰۲ ۴-۲-۲-۳- آخلیوس و مکافات اعمال او
- ۱۰۲ ۱-۴-۲-۲-۳- کشتن هکتور
- ۱۰۴ ۲-۴-۲-۲-۳- کشتن دوازده جوان تروایی بر گور پاتروکل
- ۱۰۴ ۴-۴-۲-۲-۳- مکافات آخلیوس

- ۱۰۴ ۳-۲-۵- جنایات پاریس و مکافات جنایت او
- ۱۰۴ ۳-۲-۵-۱- کشتن آخلیوس
- ۱۰۵ ۳-۲-۲-۵- مکافات پاریس
- ۱۰۶ ۳-۲-۶- جنایت نئوپتولم و مکافات جنایت او
- ۱۰۶ ۳-۲-۶-۱- کشتن پریام
- ۱۰۷ ۳-۲-۶-۲- مکافات نئوپتولم
- ۱۰۷ ۳-۲-۷- جنایت پوروس و مکافات جنایت او
- ۱۰۷ ۳-۲-۷-۱- کشتن پولیکس
- ۱۰۸ ۳-۲-۷-۲- مکافات پوروس
- ۱۰۸ ۳-۲-۸- جنایت عاملان کشتن آستیاناکس و مکافات جنایت آن‌ها
- ۱۰۸ ۳-۲-۸-۱- کشتن آستیاناکس
- ۱۰۸ ۳-۲-۸-۲- مکافات عاملان کشتن آستیاناکس
- ۱۰۹ ۳-۲-۹- جنایت‌های منلاس و هلن و مکافات جنایت‌های آنان
- ۱۰۹ ۳-۲-۹-۱- مکافات منلاس و هلن
- ۱۱۱ فصل چهارم: مقایسه
- ۱۲۲ آیا مکافات‌ها تناسبی با جنایت‌ها دارند؟
- ۱۲۵ فصل پنجم: نتیجه‌گیری
- ۱۲۹ منابع و مآخذ

فصل اول

کلیات و مفاهیم

۱-۱ کلیات

۱-۱-۱- بیان مسأله :

جنایت و مکافات مسأله‌ای است که از دیرباز با بشر همزاد بوده است. این موضوع در بسیاری از متون ادبی به ویژه آثار حماسی نقش مهمی را ایفا می‌کند. شاهنامه فردوسی و ایلید هومر نمونه‌هایی از این دسته از آثارند که به عنوان تجلی‌گاه‌های موضوع یاد شده به شمار می‌آیند. جنایتکاران شاهنامه و ایلید به وسیله خدایان، انسان‌ها، تقدیر و طبیعت مکافات عمل خود را می‌بینند. در شاهنامه، افرادی همچون ضحاک، سلم، تور، افراسیاب، گرسیوز، شغاد، سودابه و... جنایت‌هایی مرتکب شده و مکافات عمل خود را می‌بینند؛ مثلاً افراسیاب سیاوش را ناجوانمردانه به قتل می‌رساند و در آخر توسط کیخسرو کشته می‌شود؛ یا ضحاک، پدر فریدون و هزاران تن از مردم بیگناه را می‌کشد و در آخر توسط فریدون به بند کشیده می‌شود. در ایلید نیز جنایت‌هایی رخ داده مثلاً آستیاناکس پسر هکتور را که کودکی بود؛ آژاکس یا نئوپتولم از بالای بارو به زیرمی‌اندازند و در پایان به وسیله‌ی خدایان مکافات می‌بینند یا پولیکس دختر پیام را پوروس بر سرگور آشیل سرمی‌برد اما خدایان مکافاتی برایش در نظر نمی‌گیرند. در این پایان نامه برآنیم که زمینه جنایت‌ها، ابعاد جنایت‌ها، منشأ و چگونگی مکافات‌ها و تناسب بین جنایت‌ها و مکافات آن را در شاهنامه و ایلید بررسی کنیم و وجوه افتراق و اشتراک آن‌ها را روشن سازیم.

۱-۱-۲- سوالات تحقیق:

۱-۱-۲-۱- سوال اصلی: آیا تشابه و تفاوتی بین جنایت‌های رخ داده و مکافات آن‌ها در شاهنامه و ایلید وجود دارد؟

۱-۲-۲- سوال فرعی: آیا مکافات‌ها تناسبی با جنایت‌ها دارند؟

۱-۱-۳- فرضیات تحقیق:

۱-۱-۳-۱- فرضیه اصلی:

بین جنایت‌های رخ داده در شاهنامه و ایلید شباهت‌هایی وجود دارد مثلاً در این دو اثر فراد بی- گناهی کشته می‌شوند، همچنین تفاوت‌هایی در نوع جنایت‌ها، تعداد جنایت‌ها و به مکافات رسیدن یا نرسیدن جنایتکاران وجود دارد.

۱-۱-۳-۲- فرضیه فرعی:

در شاهنامه بیشتر مکافات‌ها با جنایت‌ها تناسب دارد اما در ایلید چنین نیست .

۱-۱-۴- پیشینه موضوع و سوابق مربوط:

با توجه به اینکه این موضوع تطبیقی است بجز نکاتی پراکنده در لابه‌لای کتاب‌ها و مقالات تا به حال کتاب یا تحقیق کامل و مستقلی که به این موضوع پرداخته باشد وجود ندارد هرچند مطالبی مرتبط با این موضوع در برخی منابع وجود دارد؛ مانند: « زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه» اثر «محمد علی اسلامی ندوشن» و « از رنگ گل تا رنج خار» نوشته‌ی «قدمعلی سرّامی» و «درآمدی بر هنر و اندیشه‌ی فردوسی» سعید حمیدیان .

۱-۱-۵- ضرورت‌ها و اهداف تحقیق:

این پژوهش با هدف کمک به تحقیقات دانشگاهی انجام می‌گیرد، هم چنین با توجه به اینکه شاهنامه فردوسی یکی از مهمترین متون ادبیات فارسی است انجام این‌گونه پژوهش‌ها باعث شناخت هر چه بیشتر این اثر گران قدر شده و از طرف دیگر با یکی دیگر از آثار حماسی جهان آشنا می‌شویم .

۱-۱-۶- روش تحقیق و روش تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات:

روش تحقیق در این پایان نامه، تحلیلی- توصیفی است.

۱-۱-۷- روش و ابزار گرد آوری اطلاعات: (میدانی، کتابخانه ای، ...) و (پرسشنامه، مصاحبه،

مشاهده، آزمون، فیش و...)

روش گرد آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و فیش برداری است و ابزار گردآوری

اطلاعات کتاب، مجله، سایت و پایگاه‌های اطلاعاتی است.

انسان‌ها با اعمال و رفتاری که از خود بر جای می‌گذارند به دو دسته تقسیم می‌شوند: دسته اول انسان‌هایی که اعمال و رفتار خوب و شایسته‌ای انجام می‌دهند و دسته‌ی دوم آن‌هایی که اعمال و رفتار بد و ناشایستی دارند. هر کدام از این اعمال بر زندگی و سرنوشت دو گروه تأثیر مستقیم دارد؛ گروه اول پاداش اعمال خوب خود را می‌بینند و گروه دوم سزای اعمال بد خود را می‌چشند؛ چنانچه خداوند در قرآن می‌فرماید «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ» «وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» (زلزله/۷-۸) «و هرکس بقدر ذره‌ای کردار نیک کرده (پاداش) آن را خواهد دید و هرکس بقدر ذره‌ای کار زشت مرتکب شده به کیفرش خواهد رسید.»

یکی از گناهان و کردارهای بدی که از دیرباز به وسیله‌ی انسان‌ها انجام گرفته است جنایت است. در فرهنگ‌های مختلف تعاریف و تعبیر کم و بیش مشابهی در این خصوص دیده می‌شود: در لغت‌نامه دهخدا ذیل این کلمه آمده است: «گناه، گناه کردن و شورانگیختن» (دهخدا، ۱۳۷۷: ۷۸۶۶) دهخدا در ادامه می‌گوید «جنایت هر فعلی باشد که آن را منع کرده باشند و متضمن زیانی نیز باشد و جنایت یا نسبت به عرض و ناموس است و آن عبارتست از قذف یا ناسزاگفتن و یا غیبت کردن و یا جنایت نسبت به مال است و آن عبارتست از غصب یا دزدی یا خیانت و یا جنایت نسبت به نفس است و آن عبارتست از کشتن و به دار آویختن و خبه کردن و به آتش سوزاندن و یا جنایت نسبت به اطراف بدن باشد و آن عبارتست از بریدن و شکستن و شکافتن سر و بیرون آوردن چشم و... در عرف فقها جنایت را اختصاص داده‌اند به آنچه نسبت به اطراف و اعضا بدن یا نسبت به نفس باشد» (همان: ۷۸۶۵) و در فرهنگ فارسی معین ذیل این کلمه آمده است: «گناه کردن، بزه کردن، تباه کاری، گناه بزرگ» (معین، ۱۳۷۵: ۱۲۴۴) چنانچه مشاهده شد در فرهنگ‌ها جنایت به گناهان بزرگ اطلاق می‌شود؛ اما در این پژوهش جنایت نسبت به نفس مثل قتل و آدمکشی مد نظر ماست. همچنین می‌دانیم که خون بی‌گناهان هرگز پایمال نمی‌شود و حتماً مکافات و مجازاتی دارد. مکافات در فرهنگ‌ها چنین تعریف شده است: در لغت‌نامه دهخدا به معنای «پاداش مطلقاً (اعم از نیکی و بدی)، سزای بد، پاداش بدی را دادن، کیفر، سزا، مجازات، بادافره» (دهخدا، ۱۳۷۳: ۱۸۸۷۸) و در فرهنگ فارسی معین به معنای «پاداش دادن (اعم از خوب یا بد)، جزای عمل بد را دادن (خصوصاً کیفر دادن)، پاداش‌دهی (خوب یا بد) جزای عمل بد» آمده است»

(معین ۱۳۷۵:۴۳۱۱)

هر نوع کشتن و کشته شدن جنایت محسوب نمی‌شود و چنانکه گفته شد فرق این نوع جنایت با دیگر قتل‌ها در این است که در این نوع جنایت، شخصی که کشته می‌شود بی‌گناه است و در بیشتر موارد حتی توان دفاع از خود را هم ندارد. خداوند بارها انسان‌ها را از قتل و کشتن یک دیگر برحذر می‌دارد و چنین سفارش می‌کند که یکدیگر را نکشید، و اگر شخصی کشته شود اولیای دم او این اختیار را دارند که قاتل را قصاص نمایند و قصاص را از این جهت قصاص گویند که در تعقیب جنایت و در پی آن آمده است چنانچه در قرآن آمده است که: «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَوةٌ يَا أُولِي الْأَبْصَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (بقره/ ۱۷۹) یعنی «و قصاص برای حفظ حیات شماست ای خردمندان تا مگر از قتل یگدیگر بپرهیزید» اگر انسان آگاه باشد که در صورت قتل کسی، او را قصاص خواهند کرد دیگر مرتکب این جرم نمی‌شود و این سبب حیات مردم می‌شود.

«فردوسی ریختن خون بی‌گناهان را گناه عظیم می‌داند. او از نام موبد به بهرام پند می‌دهد که از ریختن خون مردم بی‌گناه دست کشد. برای تأکید مطلب اندیشه‌ی مکافات عمل آورده می‌شود که شخص خونریز عاقبت جزایش را خواهد دید :

چنین گفت موبد به بهرام تیز	که خون سر بی‌گناهان مریز
چنین است فرمان یزدان راه	که هر کس ببرد سر بی‌گناه
سرش را ببرند بی‌ترس و باک	سپارند ناپاک دل را به خاک

(ملا احمد، ۱۳۸۴:۳۲)

یکی از مهمترین رویدادها در شاهنامه جنگ و درگیری است. «دو حادثه آتش جنگ‌های عمومی خانمان‌سوز بین ایران و توران را دامن می‌زند که یکی کشته شدن ایرج، فرزند فریدون و فرمانروای ایران، به دست برادرانش سلم و تور است و دیگری که موجب پدیدآمدن بزرگترین پیکارهای ایران و توران شد، کشته شدن شاهزاده‌ی فرشته خوی و بی‌گناه و شجاع و زیبای ایران، سیاوش، به فرمان افراسیاب و بر اثر سخن چینی و حسد بردن گرسیوز، برادر افراسیاب است.» (ملا احمد، ۱۳۸۴:۱۴)

در این جنگ‌ها افراد زیادی کشته می‌شوند. ملا احمد ریشه و دلیل این جنگ‌ها را این چنین برمی‌شمارد: «در شاهنامه به عوامل و سبب‌های سرزدن جنگ‌ها بعضاً اشاره شده است. یکی از عوامل

درگیری و وسعت جنگ‌ها انتقام یا کین‌خواهی است. انتقام به اندیشه‌ی مکافات عمل مربوط است و طبق آن هر که بدی کند یا خونریزی نماید عاقبت خود به آن گرفتار خواهد شد. اکثر پهلوانان و شاهان شاهنامه برای انتقام گرفتن پدر و اجداد خود مبارزه می‌کنند: فریدون برای ستاندن قصاص جدش جمشید با ضحاک می‌جنگد، منوچهر انتقام ایرج را می‌گیرد، رستم و کیخسرو جهت گرفتن خونبهای سیاوش با افراسیاب می‌رزمند...» (همان، ۱۷-۱۸)

در شاهنامه فردوسی که سرشار از دلیری و کشمکش است افراد زیادی کشته می‌شوند؛ برخی از آن‌ها در جنگ‌هایی که بین دو گروه دشمن درمی‌گیرد و در نبردی عادلانه به مصاف هم می‌روند کشته می‌شوند؛ مثل بسیاری از لشکرکشی‌هایی که در شاهنامه روی می‌دهد. گروهی دیگر به وسیله‌ی افراد قدرتمند و صاحب منصب کشته می‌شوند؛ مثل پسران کاوه که به دستور ضحاک و سیاوش که به دستور افراسیاب، کشته می‌شوند برخی دیگر نادانسته به وسیله‌ی اشخاصی به قتل می‌رسند؛ مثل کشته شدن سهراب به دست رستم؛ و برخی دیگر با دسیسه و نیرنگ اشخاصی به قتل می‌رسند؛ مثل کشته شدن سیاوش با دسیسه‌ی گرسیوز و رستم به دست شغاد. حال باید دید که آیا همه‌ی این قتل‌ها جنایت به حساب می‌آیند و قاتل آن‌ها مستوجب مجازات است؟ چنانچه پیشتر بیان شد جنایت آن عملی است که شخص جنایت‌کار- دانسته- فرد یا افراد بی‌گناه و بی‌دفاعی را بکشد؛ بنابراین هنگامی که رستم و سهراب با یکدیگر نبرد می‌کنند و سهراب به دست رستم کشته می‌شود هیچ کس رستم را جنایت‌کار نمی‌داند؛ البته نباید در این میان، نقش دست‌های پشت پرده و نیت و اقدامات افراد مطلع و آگاهی که عمداً و غیرمستقیم موجب این حادثه شدند را نیز نادیده گرفت.

در ایلید نیز که یک اثر حماسی است جنایت‌های زیادی در هنگام جنگ و درگیری و پس از فتح تروا روی می‌دهد؛ از جمله، کشتن افراد زنده‌ارخواه و در حال گریزی مثل توئون و هودیوس، کشته شدن جوانان بی‌گناهی که برگور پاتروکل سر می‌برند؛ نیز قربانی کردن بی‌گناهیانی همچون پولیکس و به قتل رساندن نوزادانی همچون آستیاناکس و افراد پیر و ناتوانی مثل پریام .

جنایت‌های رخ داده در شاهنامه به دو گروه تقسیم می‌شوند: مواردی که مستقیم رخ می‌دهند و مواردی که غیر مستقیم اتفاق می‌افتند. جنایت‌های مستقیم جنایت‌هایی هستند که در آنها شخص جنایت‌کار و قاتل مستقیماً و به دست خود و آگاهانه دست به جنایت می‌زند و فرد یا افرادی را می‌کشد؛ مثل کشته شدن ایرج به وسیله‌ی سلم و تور؛ و جنایت‌های غیر مستقیم به جنایت‌هایی اطلاق می‌شود که

در آنها شخص جنایتکار مستقیماً در کشته شدن طرف مقابل دخالت نمی‌کند؛ بلکه با دسیسه و یا به اصطلاح با دست‌های پشت پرده مرتکب جنایتی می‌شود و افرادی دانسته یا نادانسته اعمال مورد نظر شخص جنایتکار را انجام می‌دهند؛ به این ترتیب که مثلاً جنایتکار دستور به قتل و کشته شدن شخصی را صادر می‌کند یا نقشه‌ای طرح می‌کند تا افرادی نادانسته عمل مورد نظرش را که کشته شدن شخصی است انجام دهند؛ مثل کشته شدن اسفندیار با دسیسه و نقشه‌ی گشتاسب.

جنایت‌های رخ داده در ایلید نیز مانند آنچه در شاهنامه رخ می‌دهد؛ به دو گروه مستقیم و غیر مستقیم تقسیم می‌شوند؛ اما در این جا جنایت مستقیم جنایتی است که شخص جنایتکار به تنهایی و بدون کمک یا دخالت خدایان آن را انجام می‌دهد؛ مثل کشته شدن پریام، دوازده جوان تروایی بر گور پاتروکل، کشتن افراد گریزان و به قتل رساندن زنه‌ارخواهان؛ اما در جنایت‌های غیر مستقیم؛ شخص جنایتکار با کمک خدایان دست به جنایت می‌زند و طرف مقابل را با کمک خدایان از پای درمی‌آورد؛ مثل کشته شدن پاتروکل، هکتور، آخلیوس، پاریس و...

۱-۲-۲- اسطوره

اسطوره واژه‌ای است که به نظر برخی از محققان از زبان عربی به زبان فارسی راه یافته و معانی کم و بیش مشابهی را در فرهنگ‌ها به خود اختصاص داده است. از آن جمله: سخن‌های پریشان، قصه‌های دروغ، افسانه‌های غیرواقعی و... مهرداد بهار اسطوره را چنین تعریف می‌کند « اسطوره اصطلاحی کلی است و در برگیرنده‌ی باورهای مقدس انسان در مرحله خاصی از تطورات اجتماعی که در عصر جوامع به اصطلاح ابتدایی شکل می‌گیرد و باورداشت مقدس همگان می‌گردد. اساطیر حتی در ساده‌ترین سطوح خود انباشته از روایاتی است معمولاً مقدس درباره خدایان، موجودات فوق طبیعی و وقایع شگفت آوری که در زمان‌هایی آغازین، با کیفیاتی متفاوت با کیفیات زمان عادی ما، رخ داده و به خلق جهان و اراده‌ی آن انجامیده است، یا در دوران‌های دور دست آینده رخ خواهد داد.» (بهار، ۱۳۸۱: ۳۷۱) کزازی در تعریف اسطوره چنین می‌نویسد: «شاید این واژه دیگرگون شده‌ی واژه‌ی یونانی و لاتینی «هیستوریا» **Historia** باشد که به معنی سخن و خبر راست، یا جستجوی راستی است. از این واژه، واژه‌های «ایستوار» **Histoire** در فرانسه و «استوری» **Story** در انگلیسی که به معنی تاریخ، داستان و قصه است،

به یادگار مانده است و در زبان‌های اروپایی، اسطوره «میت» Mythe خوانده می‌شود که واژه‌ای است برگرفته از «موتوس» Muthos یونانی، به معنی حکایت و قصه‌ای که بیشتر در پیوسته نیز هست. از این واژه، واژه‌هایی چون «میتولوژی» به معنی اسطوره‌شناسی یا دانش اسطوره و «میتوگرافی» به معنی اسطوره‌نگاری در آن زبان‌ها به کار برده می‌شود (کزازی، ۱۳۸۵: ۲) رکس وارنر نیز در تعریف اسطوره چنین آورده است «میتوس» Mythos در کلام یونانیان به معنی افسانه، قصه، گفتگو و سخن بوده است، اما نهایتاً به چیزی اطلاق گردید که واقعاً نمی‌تواند وجود داشته باشد. (وارنر، ۱۳۸۶: ۱۵)

قدمعلی سرآمی نیز برای اسطوره تعریفی بیان کرده « اسطوره به داستانی اطلاق می‌شود که قبل از تاریخ یا در سپیده‌دمان آن، در ذهن آدمیان شکل گرفته و حاکی از کوشش خیال انسان در توجیه جهان آفرینش، آفرینه‌ها و آفریده‌های گوناگون است. » (سرآمی، ۱۳۷۸: ۶۲) همچنین در باره‌ی اساطیر ایرانی آمده است «اسطوره‌های ایرانی قصه‌ها و داستان‌هایی کهن هستند که موجوداتی خارق العاده یا ماوراء طبیعی را شامل می‌شوند. این اسطوره‌ها که از گذشته‌ی افسانه‌ای ایران بر جای مانده‌اند، دیدگاه‌های جامعه‌ای را منعکس می‌کنند که در آغاز به آن تعلق داشته‌اند. دیدگاه‌های این مردم نسبت به رویارویی خیر و شر، اعمال خدایان و دلاوری‌های قهرمانان و موجودات افسانه‌ای.» (هینلز، ۱۳۷۳: ۷-۹) در شاهنامه فردوسی که یکی از بزرگترین آثار حماسی جهان است موضوعات اساطیری زیادی به چشم می‌خورد. در بخش اساطیری شاهنامه که با خلقت اولین انسان شروع می‌شود و تا ظهور فریدون ادامه می‌یابد از پیدایش اولین مخلوق، کشف آتش، درست کردن لباس از پشم و پوست حیوانات، مطیع کردن دد و دام، زیر فرمان آوردن دیوان، ساخت مسکن با آجر و به کار بردن ابزار مهندسی به وسیله دیوان، آموختن زراعت و پیشه‌ها و... سخن به میان آمده است در بخش پهلوانی نیز به پهلوانان و موجوداتی برمی‌خوریم که منشأ اسطوره‌ای دارند. در بخش اساطیری شاهنامه جنایت‌هایی روی می‌دهد؛ کشتن مرداس، جمشید، جوانان بی‌گناه، آبتین و پسران کاوه به دست ضحاک و قتل ایرج به وسیله‌ی سلم و تور در این بخش شاهنامه اتفاق می‌افتند.